

اصول و محورهای رهنامه دریایی جمهوری اسلامی ایران و اقدام‌های متقابل آمریکا

قاسم ترابی^۱، علیرضا رضائی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۳۱

چکیده

رهنامه نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر تجربه جنگ تحمیلی، اهمیت راهبردی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و تنگه هرمز، بر اساس اصول دفاع ناهمگون شکل گرفته است. بر این اساس، نیروی دریایی ایران با هدف‌های تدافعی و با نیت ایجاد بازدارندگی در برابر نیروهای متخاصم، با بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی منطقه و همچنین تأکید بر مفاهیمی مانند شهادت‌طلبی و ظلم‌ستیزی شیعی، شکل خاصی از دفاع را انتخاب نموده است. در این شکل دفاع، تأکید خاصی بر استفاده از فناوری‌های جدید و تسلیحات نوین در مکان و زمانی می‌شود که نیروهای دشمن انتظار آن را ندارند. در مقابل، آمریکایی‌ها به دنبال افزایش حضور نیروی دریایی خود در منطقه، افزایش توان دفاع هوایی کشورهای عربی، تلاش برای ورود ناتو به منطقه و گسترش همکاری نظامی و امنیتی در سطح خاورمیانه در برابر جمهوری اسلامی هستند.

واژگان کلیدی: دفاع ناهمگون، نیروی دریایی، دفاع غیرعامل، تمرکززدایی، بی‌ثبات‌سازی

۱. دکترای روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله

رقابت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در منطقه خاورمیانه ابعاد و سطوح گسترده‌ای دارد. دو کشور در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و امنیتی، رقابت و چالش‌های گسترده‌ای در سطح خاورمیانه و به‌خصوص در منطقه حیاتی خلیج فارس دارند. برای مثال، در چند سال گذشته، در بخش نظامی، حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در سطح منطقه خاورمیانه و به‌ویژه کشورهای همسایه جمهوری اسلامی افزایش یافته است (Cordesman, 2011). حضور نیروهای آمریکایی در عراق که در قالب توافق راهبردی دو کشور نهادینه شد، حضور گسترده نظامی در افغانستان و تلاش‌های اخیر برای به‌دست آوردن پایگاهی دائمی در این کشور، همچنین توافقاتی فراتر از این کشورها با کشورهای آسیای میانه، قفقاز و کشورهای حاشیه خلیج فارس، تنها بخش محدودی از برنامه‌های نظامی آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند.

به این اقدام‌ها باید تلاش‌های اخیر ناتو به رهبری آمریکا برای حضور بیشتر در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در منطقه خلیج فارس را افزود. گفتنی است که از سال ۲۰۰۴ و به‌دنبال اجلاس ناتو در استانبول ترکیه، روند حضور این پیمان در منطقه خاورمیانه افزایش یافته است (Gordon, 2005). توافقاتی نظامی، امنیتی و اطلاعاتی ناتو با کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین توافق اخیر ناتو با ترکیه در اجلاس لیسبون پرتغال برای ایجاد سپر دفاع موشکی، تنها بخشی از فعالیت‌های ناتو در مناطق و کشورهای همجوار ایران محسوب می‌گردد که همگی با برنامه‌ریزی آمریکایی‌ها انجام شده است (ترابی، زمستان ۱۳۸۹). گسترش حضور ناتو در کشورهای اطراف ایران به حدی بوده است که عده‌ای از کارشناسان مسائل نظامی و امنیتی صحبت از محاصره ایران توسط ناتو نموده‌اند (Rozoff(a), February 11, 2010). ناتو با تمامی کشورهای آسیای میانه

و قفقاز، عربستان، کویت، امارات، قطر، بحرین و عمان، توافق‌هایی برای همکاری نظامی، امنیتی و اطلاعاتی دارد. همچنین در چند سال گذشته، نیروهای ناتو در پادگان «رستمیه»^۱ عراق، مشغول آموزش نیروهای این کشور بوده‌اند. افزون بر این موارد، هم‌اکنون نیروهای ناتو به گستردگی در افغانستان حضور دارند و در حال مبارزه با نیروهای طالبان و القاعده هستند. همچنین باید به همکاری‌های موردی ناتو با پاکستان در مواردی همچون سیل چندی پیش این کشور اشاره نمود، که تمامی این موارد نشانگر حضور ناتو در تمامی کشورهای همسایه جمهوری اسلامی به اشکال متفاوت است (Rozoff(b), August 13, 2010).

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز برنامه‌های مدونی در صحنه نظامی و سیاسی برای افزایش قدرت کشور و در نتیجه ایجاد بازدارندگی در برابر اقدام‌های نظامی و تهاجمی کشورهای مخاصم داشته است. در این زمینه می‌توان به تلاش‌های انجام شده با هدف افزایش توان موشکی، تأکید بر اصول جنگ ناهمگون و گسترش عمق راهبردی و دفاعی کشور در سطح منطقه و در میان کشورهای خاورمیانه اشاره نمود. برای مثال می‌توان به تلاش ایران برای گسترش عمق راهبردی در عراق، سوریه، لبنان و سایر کشورهای منطقه اشاره نمود. در واقع تمامی این اقدام‌ها با هدف افزایش قدرت نظامی و وصل نمودن امنیت خاورمیانه به امنیت جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه ایجاد «بازدارندگی»^۲ در مقابله با اقدام‌های تهاجمی احتمالی آمریکا انجام شده است (Cordesman, 2010).

به هر حال با وجود اختلاف‌ها و درگیری‌های گسترده سیاسی، اقتصادی و نظامی دو کشور در سطوح و اشکال مختلف، به نظر می‌رسد منطقه خلیج فارس محور درگیری، به‌ویژه، درگیری نظامی احتمالی بین دو کشور باشد. به عبارت دیگر در صورت تبدیل

1. Ar-Rustamiyah

2. Deterrence

رقابت راهبردی به درگیری نظامی بین دو کشور، خلیج فارس در جریان درگیری‌ها، نقش حیاتی و محوری را ایفا خواهد کرد. ضمن اینکه تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، همین موضوع را به خوبی تأیید می‌کند که اولین صحنه درگیری احتمالی بین ایران و آمریکا در خلیج فارس و بین نیروی دریایی دو کشور خواهد بود. گفتنی است که در خلال جنگ عراق علیه ایران، نیروی دریایی آمریکا چند بار به نیروی تأسیسات دریایی جمهوری اسلامی ایران حمله نمود. در این راستا، جمهوری اسلامی با درک عمیق همین موضوع، برنامه‌ریزی بسیار گسترده و دقیقی برای افزایش توان نیروی دریایی و به‌ویژه طراحی رهنامه‌ای نموده است که پیش از هر چیز باعث بازدارندگی در برابر حمله احتمالی آمریکا شود. به عبارت دیگر، رهنامه نظامی جمهوری اسلامی ایران، تدافعی و با هدف ایجاد بازدارندگی در برابر حمله کشورهای دشمن است.

در مقابل، آمریکایی‌ها نیز از یک‌سو حضور نیروی دریایی خود در خلیج فارس را افزایش داده‌اند و از سوی دیگر به‌دنبال شناسایی و درک محورهای رهنامه دریایی جمهوری اسلامی با هدف برنامه‌ریزی برای مقابله با آن بوده‌اند. به همین دلیل در چند سال گذشته، مراکز و پژوهشکده‌های علمی و دفاعی آمریکا با درک اهمیت رقابت دو کشور در خلیج فارس و به‌ویژه نقش برجسته جنگ دریایی بین نیروی دریایی دو طرف، به‌دنبال شناخت اصول و محورهای رهنامه و توان دریایی جمهوری اسلامی بوده‌اند. هدف آنها از این اقدام‌ها و مطالعات، ایجاد شناخت گسترده از اصول و محورهای رهنامه و توان نیروی دریایی جمهوری اسلامی با هدف ارائه بهترین راهکارهای ممکن به دولت آمریکا برای مقابله با آن بوده است. با توجه به این موضوع، شناخت و ارزیابی دیدگاه‌های خارجی در مورد رهنامه و توان نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است که دغدغه و مسئله اصلی این مقاله نیز بررسی همین موضوع می‌باشد.

۱-۲. ضرورت تحقیق

با توجه به مطالب گفته شده، مطالعه و تحقیق در مورد نوع نگاه و برداشتی که کارشناسان مسائل امنیتی و نظامی غربی، به ویژه آمریکایی از رهنامه نظامی و توان دریایی جمهوری اسلامی ایران دارند، از ضرورت فراوانی برخوردار است. اول اینکه مطالعه توان و اصول نیروی دریایی جمهوری اسلامی از نگاه دیگران، نه تنها می‌تواند به خودشناسی بیشتر منتهی شود، بلکه باعث افزایش آگاهی از نیات و برنامه‌های نظامی دشمن می‌گردد. همچنین بیشتر این کارشناسان، در برابر آنچه محورهای رهنامه نظامی و قدرت دریایی جمهوری اسلامی می‌نامند، راهکارهایی به دولت آمریکا پیشنهاد داده‌اند که می‌توان برخی از آنها را در سیاست‌های اخیر این کشور مشاهده نمود. برای نمونه می‌توان به پیشنهاد این کارشناسان برای افزایش توان دفاع موشکی کشورهای عربی اشاره نمود که همین سیاست در چند سال گذشته توسط دولت بوش و اوباما دنبال شده است.

البته در مواردی ممکن است که تحلیل‌های ارائه شده از سوی کارشناسان غربی با واقعیت‌های محور رهنامه دریایی جمهوری اسلامی همخوانی نداشته باشد، با وجود این، درک همین کج‌فهمی‌ها و سوءبرداشت‌ها می‌تواند کمک فراوانی به درک راهبردها و سیاست‌های آمریکا در مقابله با جمهوری اسلامی ایران نماید. در نتیجه، مطالعه و تحقیق در این حوزه نه تنها می‌تواند باعث خودشناسی بیشتر گردد، بلکه باعث آگاهی از برنامه‌ها و سیاست‌های آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران نیز می‌گردد. ضمن اینکه منطقه حیاتی خلیج فارس و تنگه هرمز در صورت بروز هرگونه درگیری بین ایران و آمریکا، نقش اصلی را در جریان درگیری‌ها بازی خواهند نمود. بر این اساس، مطالعه سیاست‌ها و برنامه‌های آمریکا، به‌ویژه در حوزه نیروی دریایی می‌تواند کمک فراوانی به درک تهدیدها و فرصت‌های امنیتی موجود جمهوری اسلامی ایران نماید.

۳-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون در ارتباط با رهنامه نیروی دریایی جمهوری اسلامی سند رسمی خاصی منتشر نشده است. یکی از محورهای دفاعی جمهوری اسلامی تأکید بر اصل ابهام در مورد اصول و محورهای دفاعی، با توجه به مصالح و منافع امنیتی کشور در این حوزه است. به همین دلیل تاکنون تحقیق خاص منتشرشده‌ای در ارتباط با رهنامه نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، آن هم با رویکرد خارجی انجام نشده است. همان‌گونه که گفته شد، در این تحقیق هدف اصلی، شناخت اصول و محورهای رهنامه نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نگاه خارجی است، که از این جنبه می‌توان آن را تحقیقی نو محسوب نمود. همچنین در این تحقیق تلاش می‌شود که سیاست‌ها و برنامه‌های چند سال گذشته آمریکا در ابعاد سیاسی و نظامی، به‌ویژه در بخش دریایی علیه جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد، که این موضوع بر تازگی آن می‌افزاید.

۴-۱. پرسش‌های تحقیق

(۱) پرسش اصلی

از نظر تحلیلگران غربی، مهم‌ترین محورها و اصول رهنامه دریایی جمهوری اسلامی ایران شامل چه مواردی می‌گردد؟

(۲) پرسش‌های فرعی

۱. مهم‌ترین زمینه‌ها و دلایل شکل‌گیری رهنامه نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران چه مواردی هستند؟
۲. ایالات متحده آمریکا چه برنامه‌ها و سیاست‌هایی (به شکل یکجانبه یا چندجانبه با کشورهای عربی و ناتو) برای مقابله با رهنامه و توان نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده است؟

۱-۵. فرضیه تحقیق

در پاسخ به پرسش اصلی فوق، فرضیه زیر مطرح می‌شود:

«نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط جغرافیایی و اهمیت راهبردی منطقه، وجود فرهنگ شیعی مبتنی بر ظلم‌ستیزی و شهادت‌طلبی، تجربه جنگ تحمیلی و نقاط ضعف ارتش آمریکا، رهنامه دفاعی مبتنی بر دفاع ناهمگون را انتخاب نموده است. اصول و محورهای این رهنامه شامل مواردی مانند حملات سریع، گسترده و همه‌جانبه و در عین حال ابهام‌آمیز در مکان و زمانی است که کشور یا کشورهای متخاصم پیش‌بینی آن را نمی‌کنند. این حملات از طریق قایق‌های تندرو، ایستگاه‌های (سایت‌های) موشک‌انداز ساحل به دریا مستقر در سواحل و جزایر ایران در خلیج فارس و کشتی‌ها و زیردریایی‌های جنگی انجام می‌شود. همچنین حملات هوایی ترکیبی و همزمان از سوی هواپیماها و بالگردهای جنگی، تکمیل‌کننده دفاع ناهمگون جمهوری اسلامی ایران خواهند بود.»

۱-۶. هدف‌های تحقیق

مهم‌ترین هدف‌های تحقیق حاضر شامل موارد زیر می‌گردد:

۱. شناخت زمینه‌ها و دلایل شکل‌گیری رهنامه نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران از نگاه خارجی؛
۲. شناخت اصول و محورهای دفاعی جمهوری اسلامی در حوزه دریایی؛
۳. ارزیابی و تحلیل اقدام‌ها و سیاست‌های آمریکا برای مقابله با توانمندی‌های نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در سطح یکجانبه و چندجانبه با کشورهای عربی و ناتو؛
۴. بررسی نقاط قوت و ضعف توان نظامی آمریکا در منطقه و تحلیل رهنامه دفاع ناهمگون جمهوری اسلامی ایران؛

۵. افزایش شناخت از محیط امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهداف و اقدام‌های انجام شده توسط آمریکا، کشورهای عربی و ناتو.

۷-۱. سازماندهی تحقیق

تحقیق حاضر به غیر از بخش طرح تحقیق، شامل سه بخش اصلی و چند بخش فرعی دیگر می‌گردد. در بخش اول این مقاله تلاش می‌گردد با نگاه بیرونی در مورد علل و زمینه‌های انتخاب شکل خاصی از رهنامه دریایی توسط جمهوری اسلامی ایران، که مبتنی بر «جنگ ناهمگون» است، بحث شود. در این بخش، دلایلی مانند تجربه جنگ ایران و عراق، موقعیت راهبردی و شکل جغرافیایی خلیج فارس و تنگه هرمز، ضعف‌های نظامی آمریکا و فرهنگ شیعی مبتنی بر ظلم‌ستیزی مورد بحث قرار خواهد گرفت. در بخش بعدی اصول و محورهای رهنامه دریایی ایران با تأکید بر نگاه بیرونی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در این بخش، سبک جنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش دریایی و اصولی همچون دفاع غیرعامل، تمرکززدایی و بی‌ثبات‌سازی نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت. در نهایت در بخش آخر به بررسی اقدام‌ها و برنامه‌های آمریکا در مقابله با رهنامه و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌هایی همچون افزایش توان نیروی دریایی آمریکا در منطقه، همکاری با کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی و تلاش برای ورود ناتو به خاورمیانه پرداخته خواهد شد.

۲. دلایل انتخاب دفاع ناهمگون دریایی

دفاع ناهمگون دریایی، دفاعی مبتنی بر اصل ابهام، حمله سریع، گسترده و پراکنده است که نیاز به نیروی انسانی معتقد و از جان گذشته دارد. کارشناسان خارجی، دلایل گسترده و متنوعی را برای انتخاب این شکل از دفاع دریایی توسط جمهوری اسلامی

مطرح کرده‌اند، که از جمله آنها می‌توان به تجربه جنگ ایران و عراق، موقعیت راهبردی و شکل خاص جغرافیایی خلیج فارس و تنگه هرمز، وجود فرهنگ شهادت و ایثار شیعی، توانایی‌های جمهوری اسلامی در زمینه جنگ ناهمگون و ضعف‌های آمریکا برای مقابله با این شکل دفاع دریایی اشاره نمود. با عنایت به این موضوع، در ادامه با توجه به اهمیتی که این موضوع‌ها در درک اصول و محورهای دفاع ناهمگون جمهوری اسلامی در بخش دریایی دارند، هر کدام از آنها به شکل مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲. تجربه جنگ ایران و عراق

نیروی دریایی آمریکا در مقاطعی از جنگ تحمیلی با نیروی دریایی ایران درگیر شد. به‌ویژه از زمانی که نیروهای عراقی، جنگ نفتکش‌ها را آغاز کردند، احتمال درگیری بین نیروی دریای آمریکا با نیروی دریایی جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرد و در نهایت به درگیری مستقیم دریایی انجامید. از جمله می‌توان به حمله نیروی دریایی آمریکایی به چندین کشتی جنگی و همچنین سکوهای نفتی ایران در منطقه خلیج فارس اشاره نمود. در این حملات، نیروی دریایی آمریکا تلفاتی به نیروی دریایی و همچنین سکوهای نفتی ایران وارد نمود که منتهی به شکایت ایران به دیوان بین‌الملل دادگستری و در نهایت محکومیت آمریکا گردید (موحد، ۱۳۸۳).

در مقابل، نیروی دریایی ایران با آگاهی از نقاط ضعف و قوت دشمن، با اجتناب از رو در روی مستقیم دریایی، تصمیم به دفاع از کشور با توسل به شکل خاصی از نبرد گرفت که بعدها با عنوان «دفاع دریایی ناهمگون» از آن یاد شد. از جمله نیروی دریایی ایران در این درگیری‌ها از مین‌های دریایی برای مقابله با ناوهای هواپیمابر و کشتی‌های جنگی آمریکایی استفاده کرد که به حریم دریایی ایران احترام نمی‌گذاشتند. استفاده از قایق‌های تندروی کوچک که شناسایی و انهدام تعداد گسترده آنها برای کشتی‌های جنگی

آمریکا دشوار بود، از دیگر راهکارهای مؤثر نیروی دریایی در خلال تجاوز و دخالت آمریکا در جنگ عراق علیه ایران بود. در این راستا نیروی دریایی جمهوری اسلامی توانست مسائل و مشکلات فراوانی برای نیروی دریایی مجهز آمریکا در خلیج فارس ایجاد کند و آن را با نوعی سردرگمی و ابهام درگیر سازد (Connell, 2006).

به هر حال تجربه موفق دفاع ناهمگون نیروی دریایی جمهوری اسلامی در مقابله با نیروی دریایی آمریکا در خلال جنگ ایران و عراق، نقش مهمی در طراحی رهنامه دریایی ایران در سال‌های بعد گذاشت. مهم‌ترین نتیجه این تجربه در طراحی رهنامه دریایی جمهوری اسلامی، اجتناب از درگیری مستقیم با نیروی دریایی آمریکا در صورت تهاجم به ایران و تأکید بر جنگ پراکنده، نامنظم و غیرمستقیم است. به عبارت دیگر، جنگ هشت ساله برای نیروی دریایی ایران آشکار نمود که بهترین شکل مقابله با نیروی دریایی مجهز آمریکا، استفاده از نقاط ضعف آن به‌ویژه در مقابله با حملات گسترده، سریع و مبهم قایق‌های تندروی است که توسط افرادی هدایت می‌شود که مشتاق مقابله با نیروهای «استکبار جهانی» بوده و عاشق شهادت هستند.

۲-۲. موقعیت راهبردی و شکل جغرافیایی خلیج فارس و تنگه هرمز

دلیل دیگر انتخاب دفاع ناهمگون دریایی از سوی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی‌ها و شکل جغرافیایی خلیج فارس و تنگه هرمز است. عرض خلیج فارس در عریض‌ترین قسمت‌ها ۱۰۰ مایل دریایی و عرض تنگه هرمز در حدود ۲۹ مایل دریایی است. همچنین ایران در سرتاسر خلیج فارس و تنگه هرمز دارای جزایر متعددی است که هر کدام از آنها می‌توانند در خلال دفاع از کشور مانند یک ناو دریایی عمل کنند و کل منطقه را برای نیروی مهاجم ناامن سازند. همین شکل جغرافیایی باعث شده است که انتخاب دفاع ناهمگون و اجرای آن برای نیروی دریایی ایران بسیار آسان گردد.

همچنین خلیج فارس و تنگه هرمز نقش برجسته‌ای در تأمین امنیت انرژی جهان دارند، به شکلی که هرگونه بی‌ثباتی در این منطقه می‌تواند اقتصاد جهانی را با مسائل مشکلات فراوانی مواجه سازد. بر اساس آخرین آمارها، بیش از ۵۶/۶ درصد نفت جهان در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در کشورهای همچون عربستان، ایران، عراق، کویت و امارات متحده عربی قرار دارد که اغلب نفت آنها با نفتکش‌های غول‌پیکر از تنگه هرمز برای کشورهای صنعتی صادر می‌شود. بر اساس اطلاعات مؤسسات معتبر بین‌المللی همچون «بریتیش پترولیوم»^۱ روزانه بیش از ۳۰ درصد نفت جهان از تنگه هرمز می‌گذرد که ایجاد هرگونه اختلال در فرایند عبور آن می‌تواند اقتصاد جهانی را با بحرانی همه‌گیر مواجه سازد (BP. Statistical Review of world energy, 2010). البته در چند سال گذشته، کشورهای غربی با هدف کاهش اهمیت راهبردی منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز اقدام‌هایی را انجام داده‌اند. برای مثال ایجاد خطوط لوله برای انتقال نفت کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان و عراق، از مهم‌ترین اقدام آنها با هدف کاهش اهمیت راهبردی تنگه هرمز بوده است. با وجود این، هیچ‌کدام از این اقدام‌ها نتوانسته از ارزش این تنگه برای کشورهای غربی بکاهد. گفتنی است که میزان نفت انتقال یافته از تنگه هرمز به حدی است که امکان انتقال آن از طریق لوله وجود ندارد.

بر این اساس، با توجه به موقعیت جغرافیایی و همچنین اهمیت راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز، انتخاب دفاع ناهمگون از سوی جمهوری اسلامی میزان بازدارندگی آن را در مقابله با آمریکا به شدت افزایش داده است. همان‌گونه که اشاره شد، اصول دفاع دریایی ناهمگون مبتنی بر حملات موشکی از سواحل و جزایر، مین‌گذاری در مناطق حساس، حملات گسترده و پراکنده توسط قایق‌های تندرو و هواپیماهای جنگی است که شکل جغرافیایی و اهمیت راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز آن را تبدیل به بهترین مکان برای اجرای چنین اصولی نموده است (Connell, 2006).

1. British Petroleum

نقشه ۱. نقشه خلیج فارس و تنگه هرمز



۲-۳. ضعف‌های نظامی آمریکا

کشورهایی که در اصول جنگی خود، بر نیروی انسانی حرفه‌ای، تجهیزات سنگین و نوین تأکید می‌نمایند، برای مقابله با جنگ ناهمگون با مشکل مواجه هستند. این کشورها در نبردهای سنتی و رو در رو، موفق عمل می‌کنند و می‌توانند تجهیزات و امکانات دشمن را در کمترین زمان ممکن نابود سازند، در مقابل، این نیروها زمانی که در برابر اشکالی از جنگ ناهمگون قرار می‌گیرند با مشکل تشخیص، سردرگمی و در نهایت، خسارت و شکست مواجه می‌شوند. این قاعده فقط شامل نیروی دریایی نیست، بلکه تمامی نیروهای تدافعی و نظامی را در بر می‌گیرد. تجربه چند سال گذشته جنگ‌های نیروهای زمینی آمریکا در عراق و افغانستان و رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله به خوبی تأییدکننده همین موضوع است (Buley, 2007).

برای مثال در حالی که نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۰۳ توانستند در چند روز، نیروهای وفادار به صدام حسین را با شکست مواجه سازند، اما در نبرد ناهمگون با نیروهای پراکنده عراقی، هزینه‌های گسترده‌ای متحمل شدند. همین مسئله را می‌توان در جنگ افغانستان نیز مشاهده نمود. نیروهای مخالف اشغال افغانستان در این کشور از اصول جنگ ناهمگون علیه نیروهای آمریکایی استفاده می‌کنند و هر روز تلفاتی را به آنها وارد می‌سازند. در واقع در حال حاضر مهم‌ترین مشکل آمریکا در افغانستان چگونگی جنگ با نیروهای است که مشخص نیست کی و کجا قصد حمله دارند. همان‌گونه که گفته شد، ابهام در زمان و مکان حمله از مهم‌ترین مشخصات جنگ ناهمگون است. همچنین در جنگ‌های رژیم صهیونیستی علیه لبنان و نوار غزه همین شرایط تکرار شد. در این جنگ‌ها نیروهای حرفه‌ای رژیم صهیونیستی در برخورد با نیروهای حزب الله و فلسطینی که از اصول جنگ ناهمگون پیروی می‌کردند، با مشکل مواجه شدند و در نهایت نتوانستند به هدف‌های تعیین شده دست یابند.

البته تجربه چنین جنگ‌هایی را نباید محدود به سال‌های گذشته دانست. در گذشته نمونه‌های فراوانی از اجرای اصول جنگ ناهمگون علیه نیروهای متخاصم آمریکایی وجود داشته است. برای مثال، در خلال جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها علیه نیروی مهاجم آمریکا از جنگ پراکنده، گسترده و انتحاری استفاده می‌کردند. در جنگ ویتنام نیز در نهایت آنچه که آمریکایی‌ها را مجبور به خروج نمود، توسل نیروهای ویتنامی به اصول جنگ ناهمگون بود.

بر این اساس، برخی از کارشناسان غربی بر این باورند که جمهوری اسلامی با آگاهی از همین نقاط ضعف ارتش آمریکا، به‌ویژه با توجه به ضعف‌های نیروی دریایی این کشور برای مقابله با جنگ ناهمگون دریایی، برای چنین دفاعی برنامه‌ریزی نموده است. ضمن اینکه تجربه نیروی دریایی ایران در استفاده از دفاع ناهمگون در برابر

نیروی دریایی مهاجم آمریکا در جریان جنگ عراق، نقش فراوانی در انتخاب این شکل از دفاع دریایی در قالب رهنامه دریایی ایران داشته است (Haghshenass, 2006).

۴-۲. فرهنگ شیعی مبتنی بر شهادت طلبی

در دفاع مبتنی بر اصول دفاع ناهمگون، وجود نیروی انسانی وفادار، جان برکف و آماده شهادت، نقش مهمی در موفقیت دارد. برای نمونه، ژاپنی‌ها بدون تأکید بر ملی‌گرایی و هزاران سربازانی که آماده کشته شدن در راه کشورشان بودند، نمی‌توانستند نیروهای مجهز آمریکایی را باز دارند. در جنگ ویتنام نیز آمادگی مردم این کشور برای جان دادن برای کشورشان در برابر نیروی متخاصمی که تحمل از دست دادن نیروی انسانی را نداشت، نقش مهمی در خروج آمریکا و بحران پس از جنگ در این کشور بازی نمود. نقش برجسته نیروی انسانی از جان گذشته در خلال جنگ‌های اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز بسیار برجسته بوده است. برای مثال در جنگ چندی پیش رژیم صهیونیستی علیه لبنان، فرهنگ شهادت‌طلبی و دفاع از سرزمین در میان نیروهای حزب‌الله، نقش اصلی را در شکست نیروهای رژیم صهیونیستی ایفا نمود که توانایی تحمل تلفات انسانی را نداشتند. در این جنگ در حالی که شهید شدن نیروی حزب‌الله آنها را برای دفاع از کشورشان مصمم‌تر می‌کرد، در مقابل، کشته شدن هر سرباز رژیم صهیونیستی، اراده دولت، ارتش و مردم این رژیم را برای ادامه جنگ سست‌تر می‌نمود. به باور کارشناسان خارجی، همین موارد نقش مهمی در انتخاب دفاع ناهمگون از سوی جمهوری اسلامی ایران داشته است. برای نمونه بسیاری از این کارشناسان با مطالعه فرهنگ شیعی که مبتنی بر ظلم‌ستیزی و شهادت است، تأکید نموده‌اند که وجود خیل گسترده نیروی انسانی معتقد و آماده دفاع از کشور، نقش مهمی در انتخاب الگوی دفاع ناهمگون از سوی جمهوری اسلامی داشته است که در آن نیروی انسانی جان بر کف، نقش اصلی را در ضربه زدن به دشمن ایفا می‌کند. برای نمونه، استفاده از

قایق‌های تندرو که قصد مقابله با ناوهای پیشرفته دشمن را دارند، با توجه به خطرات گسترده، نیاز به نیروی انسانی خاصی دارد که کشورهای غربی از درک آنها عاجز هستند (Haghshenass, 2006). در مقابل، در رهنامه نظامی آمریکا تأکید اصلی بر فناوری، تسلیحات سنگین، حملات موشکی و کمترین استفاده از نیروی زمینی قرار دارد. هدف از این محورها، کاهش تلفات نیروی انسانی با توجه به پیامدهای منفی آن در جامعه آمریکاست. به عبارت دیگر در رهنامه نظامی آمریکا تلاش می‌شود که به جای انسان، تجهیزات نظامی فدا شوند (Buley, 2007).

۳. اصول جنگ ناهمگون ج.ا.ایران

همان‌گونه که گفته شد، جمهوری اسلامی ایران با درک عمیق از شرایط موجود، توانمندی‌ها و نقاط ضعف دشمن، شرایط جغرافیایی و موقعیت خاص خلیج فارس و تنگه هرمز، رهنامه دریایی خود را بر اساس دفاع ناهمگون قرار داده است. در این راستا می‌توان به سخنان دریادار پاسدار مرتضی صفاری، فرمانده نیروی دریایی سپاه در منطقه رزمایش پیامبر اعظم ۳ در سال ۱۳۸۷ اشاره نمود که کمک فراوانی به درک محورهای این رهنامه می‌کند. وی در ارتباط با اصول دفاع ناهمگون بیان می‌دارد:

«در ابعاد راهکنشی (تاکتیکی)، ویژگی منحصر به فرد و بی‌نظیر در یادلان نیروی دریایی سپاه به گونه‌ای است که آنها با دستیابی به راهکنش‌های (تاکتیک‌های) نوین و بومی، در شرایط مختلف در همه جا هستند و در عین حال در هیچ جا نیستند. دفاع ناهمگون دریایی، بهترین روش برای استفاده از نقاط ضعف دشمن و همچنین نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران است. دفاع ناهمگون به این معنا نیست که ما استفاده از فناوری‌های نوین مانند کشتی‌های جنگنده، مین‌ها و زیردریایی‌های را کنار بگذاریم؛ هدف ما آن است که در هنگام تهاجم دشمن از تمامی تجهیزات پیشرفته مانند

کشتی‌های جنگی، زیردریایی‌ها و موشک‌های ساحل به دریا در مکان‌ها و زمانی‌هایی استفاده کنیم که دشمن حتی فکر آن را نمی‌کند» (آمادگی نیروی دریایی سپاه... ۱۳۸۷/۴/۱۹).

بر این اساس و با توجه به شواهد موجود، بسیاری از تحلیلگران خارجی، دفاع ناهمگون دریایی در رهنامه نظامی جمهوری اسلامی ایران را بر اساس محورهای زیر تعریف کرده‌اند:

(۱) استفاده از تسلیحات متعارف بر اساس روش و قاعده‌ای نامتعارف؛ برای مثال استفاده از قایق‌های تندرو برای مین‌گذاری در مسیر عبور کشتی‌های جنگی کشور دشمن یا تلاش برای انهدام امکانات و تجهیزات نظامی دشمن از طریق کوبیدن قایق‌های پُر از مواد منفجره به آنها؛

(۲) تأکید بر استفاده از قایق‌های تندرو و تسلیحات سبک به شکل گسترده به جای ناوها و کشتی‌های بزرگ جنگی برای مقابله با تجهیزات نظامی پیشرفته دشمن؛ برای مثال استفاده از قایق‌های تندرو به شکل سریع، مخفی و به تعداد زیاد علیه ناوهای بزرگ دشمن که در برابر چنین حملاتی با ضعف‌هایی مواجه هستند؛

(۳) استفاده از حملات انبوه با هدف به ثمر نشستن حتمی یکی از آنها؛ برای مثال مین‌گذاری‌های گسترده در مسیر نیروی دریایی دشمن و یا استفاده از ده‌ها قایق تندرو برای حمله به ناو جنگی دشمن که در هر صورت یکی از آنها موفق خواهد شد؛

(۴) استفاده گسترده همزمان و ترکیبی از هواپیماهای و بالگردهای جنگی با هدف کمک به بخش دفاع دریایی و رساندن آسیب‌های جدی به نیروهای دشمن؛

(۵) در نهایت، موفقیت تمامی محورهای بالا بستگی به وجود فرهنگ شهادت، مظلومیت و ظلم‌ستیزی شیعی دارد (Office of Naval Intelligence, 2009: 6).

در کنار این محورها می‌توان به مفاهیمی اشاره نمود که در رهنامه دریایی ایران دارای نقش برجسته‌ای هستند. برای نمونه می‌توان به مفاهیمی مانند «دفاع غیرعامل

دریایی»^۱، «استفاده از شرایط جغرافیایی مساعد»^۲، «تمرکززدایی»^۳، «بی ثبات سازی»^۴ اشاره کرد که در ادامه در مورد هر کدام از آنها بحث خواهد شد.

۱-۳. دفاع غیرعامل در بخش دریایی

تجربه جنگ آمریکا و متحدان علیه عراق در سال ۱۹۹۱ و همچنین سال ۲۰۰۳، تجربه فراوانی برای ایران داشت؛ به شکلی که می توان آثار آنها را در طراحی رهنامه دریایی ایران به خوبی مشاهده نمود. در خلال این درگیری ها، نیروهای آمریکایی در کمترین زمان ممکن و در همان ابتدای جنگ توانستند بخش مهمی از امکانات و تأسیسات نظامی عراق، به ویژه در بخش دریایی را از بین ببرند، در نتیجه، نیروهای عراقی در ادامه جنگ نتوانستند اقدام خاصی انجام دهند.

تحت تأثیر این شرایط، در رهنامه دریایی جمهوری اسلامی تأکید خاصی بر اقدام هایی شده که هدف آنها افزایش ضریب اطمینان و ایمنی امکانات و تأسیسات نیروی دریایی است، تا با دفع حمله اولیه در ادامه، توانایی آسیب رساندن به دشمن فراهم شود. در این راستا، منظور از دفاع غیرعامل، مجموعه اقدام های غیرنظامی است که باعث افزایش ایمنی و امنیت اماکن و تأسیسات نیروی نظامی می شود. از جمله می توان به راهکارهای مانند «استتار»^۵، «پوشش یا پنهان کردن»^۶ و «فریب»^۷ اشاره کرد که باعث افزایش امنیت در برابر حملات ابتدایی و غافلگیرانه دشمن می شود. برای نمونه، کارشناسان مسائل نظامی غربی معتقدند که ایران با انواع و اقسام شگردها، بسیاری از سامانه های پرتاب موشک خود را در سواحل و یا در جزایر خلیج فارس پنهان کرده است و یا تونل های زیرزمینی ایجاد

1. Naval Passive Defense
2. Capitalizing on Favorable Geography
3. Decentralization
4. Destabilization
5. Camouflage
6. Concealment
7. Deception

نموده که می‌تواند در شرایط حساس کمک فراوانی به امنیت اماکن و تأسیسات نیروی دریایی نمایند (Office of Naval Intelligence, 2009: 8-9).

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین اصول دفاع ناهمگون، تلاش برای دفع حمله ابتدایی و گسترده دشمن با توسل به راهکارهایی مانند پنهان‌سازی، اختفا و فریب است تا در ادامه، شرایط برای حملات گسترده، مبهم و برق‌آسا علیه دشمن مهیا گردد و آن را با نوعی سردرگمی و تشویش مواجه نماید.

۲-۳. تمرکززدایی

در کنار اصل دفاع غیرعامل دریایی، تمرکززدایی، در ساختار نیروی دریایی ایران نقش برجسته‌ای دارد. بر اساس اصل تمرکززدایی که کارشناسان خارجی از آن تحت عنوان «دفاع موزاییکی یا تکه‌تکه‌های به هم پیوسته» یاد می‌کنند، فرماندهی نظامی دریایی، غیرمتمرکز می‌شود. در نتیجه این تمرکززدایی در ساختار فرماندهی نیروی دریایی، بخش‌ها و زیرمجموعه‌ها، توانایی و انعطاف بالایی برای برخورد با تهدیدهای دشمن خواهند داشت. بر این اساس، یگان‌های مجهز به قایق‌های تندرو که در سواحل و جزایر ایرانی در خلیج فارس پنهان شده‌اند، می‌توانند در موارد حساس و در صورت نیاز، حملات گسترده خود علیه هرگونه تهدید خارجی را آغاز کنند. هدف از این گونه سلسله مراتب و شکل خاص فرماندهی، افزایش انعطاف‌پذیری و کاهش زمان تصمیم‌گیری در مواقع حساس و بحرانی برای مقابله با تهدیدهاست (Office of Naval Intelligence 2009: 9).

۳-۳. بی‌ثبات‌سازی

برخی از تحلیلگران خارجی، بی‌ثبات‌سازی را یکی از مفاهیم اساسی در رهنامه نیروی دریایی ایران ارزیابی نموده‌اند. بر اساس این تحلیل، با توجه به اهمیت منطقه

خلیج فارس و به‌ویژه تنگه هرمز در تأمین امنیت انرژی جهان، در رهنامه امنیت ملی ایران، بی‌ثبات‌سازی به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی مدنظر قرار گرفته است. به عبارت دیگر اگر آمریکا به هر دلیلی تصمیم به حمله نظامی به ایران بگیرد، در این صورت ممکن است همه امکانات و تأسیسات نظامی آمریکا در منطقه و همچنین تمامی امکانات و تأسیسات نظامی و نفتی کشورهای نفتی که از حمله آمریکا حمایت می‌کنند، هدف قرار گیرد. بروز این وضعیت به حدی در میان برخی از تحلیلگران غربی نگران‌کننده ارزیابی شده است که صحبت از بحران نفتی و یا حتی بحران اقتصادی گسترده دیگری در سطح جهان نموده‌اند.

به هر حال همان‌گونه که پیش از این گفته شد، ۵۶/۶ درصد نفت جهان در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در خلیج فارس قرار دارد (Karl, 2009: 32-35)، ضمن اینکه بخش مهمی از نفت مورد نیاز جهان هر روزه از تنگه هرمز عبور می‌کند که تنها بروز درگیری محدود در آنجا فرایند انتقال نفت را با مشکلات جدی مواجه می‌کند. بر اساس آخرین آمارهای بین‌المللی چیزی در حدود ۳۰ درصد نفت جهان از تنگه هرمز و از طریق نفتکش‌ها عبور می‌کند که درگیری احتمالی بین ایران و آمریکا می‌تواند آن را نزدیک به صفر برساند (Connell, 2006).

۴-۳. تأکید بر خودکفایی

همان‌گونه که گفته شد، دفاع ناهمگون دریایی در رهنامه نظامی جمهوری اسلامی شامل حملات فراوان، پراکنده و نامشخص توسط قایق‌های تندرو، حملات موشکی از سواحل و جزایر ایرانی مستقر در خلیج فارس و مین‌گذاری گسترده در مسیر نیروی دریایی دشمن تعریف شده است. بر این اساس، نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران با هدف اجرای درست این سیاست، در پی توسعه توانایی تولید ملی انواع تسلیحات مورد نیاز این چنین دفاعی بوده است. همچنین تجربه تحریم‌های تسلیحاتی کشورهای

غربی در دوران جنگ ایران و عراق، نقش مهمی در تأکید رهنامه دریایی ایران بر خودکفایی نظامی یا «جهاد خودکفایی»^۱ داشته است.

بر این اساس، تحلیلگران غربی بر این باور هستند که جمهوری اسلامی ایران پس از سال ۱۳۶۸ و به دنبال پایان جنگ ایران و عراق، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای بر صنعت نظامی خود با هدف تأمین تسلیحات در داخل نموده است. هر چند این تحلیلگران معتقدند که از نظر فناوری، صنایع نظامی ایران از کشورهایی مانند روسیه، چین و کره شمالی تأمین می‌شود، با وجود این، تأکید می‌کنند که ایران در زمینه تولید تسلیحات به‌ویژه در زمینه دریایی موفقیت‌های داشته است. تسلیحات داخلی ایران بیشتر شامل انواع قایق‌های تندرو و کشتی‌های جنگی کوچک، انواع و اقسام مین دریایی، انواع موشک‌های کروز ساحل به دریا می‌شود که مهم‌ترین ابزارهای دفاع ناهمگون محسوب می‌شوند (Office of Naval Intelligence, 2009: 13-20).

با توجه به محورها و اصول یادشده باید گفت، رهنامه دریایی ایران، ماهیتی دفاعی داشته و با هدف ایجاد بازدارندگی در برابر تهاجم دشمن بر اساس دفاع ناهمگون شکل گرفته است. در این نوع دفاع، تأکید فراوانی بر نقاط ضعف دشمن، توسل به مین‌گذاری‌های گسترده و سریع در مسیرهای حساس، استفاده گسترده از قایق‌های تندرو و نیروی انسانی می‌شود که برای دفاع از کشور آمادگی هرگونه جان‌فشانی در منطقه‌ای را دارند که برای اقتصاد جهانی و کشورهای صنعتی از اهمیت فراوانی برخوردار است. ضمن اینکه نیروی دریایی ایران در دفاع ناهمگون از کشور، استفاده از تسلیحات جدید و پیشرفته را کنار نگذاشته است، بلکه قصد دارد از آنها در هنگام تهاجم دشمن به شکل متفاوتی استفاده کند. منظور از شکل متفاوت دفاع، استفاده از همه تسلیحات نوین مانند کشتی‌های جنگی، زیردریایی‌های پیشرفته و موشک‌های ساحل به دریا در زمان و مکانی است که برای نیروهای دشمن غیرقابل پیش‌بینی است.

1. Self-Sufficiency Jihads

با توجه به این شرایط، در ادامه به بررسی اقدام‌ها و برنامه‌های آمریکا برای مقابله با قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

۴. برنامه‌های آمریکا برای مقابله با توان دریایی ج.ا.ایران

آمریکایی‌ها برای مقابله با توان دریایی و به طور کلی افزایش توان و قدرت نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی، برنامه‌ها و سیاست‌های گسترده‌ای را در پیش گرفته‌اند که بررسی همه آنها در این مقاله امکان‌پذیر نیست. در واقع اقدام‌های آمریکا در برابر گسترش توانمندی جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه را می‌توان به ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی تقسیم‌بندی نمود که هر کدام از آنها دارای سطوح و ابعاد خردتری هستند (Cordesman, 2010). برای مثال در سطح سیاسی، آمریکایی‌ها در چند سال گذشته به دنبال ایجاد اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی و گسترش تحریم‌ها در کنار تلاش برای مذاکره و گرفتن امتیاز بوده‌اند. به همین شکل، آمریکایی‌ها در سطح اقتصادی و نظامی نیز برنامه‌های گسترده‌ای برای مقابله با قدرت جمهوری اسلامی در پیش گرفته‌اند که بررسی همگی آنها در این جا امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل در ادامه تنها به بررسی آن دسته از اقدام‌های نظامی و سیاسی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر توان دفاع ناهمگون نیروی دریایی) پرداخته می‌شود که اغلب بر پایه توان موشکی، قایق‌های تندرو و مین‌گذاری به شکل پراکنده، سریع و گسترده است.

بر این اساس، اقدام‌ها و برنامه‌های آمریکا برای مقابله با قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران شامل تلاش برای گسترش حضور نیروی دریایی خود و تلاش برای همکاری بیشتر با کشورهای عربی، به‌ویژه در زمینه ایجاد سامانه‌های دفاع هوایی با هدف مقابله با توان موشکی جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. همچنین، آمریکایی‌ها تلاش نموده‌اند تا با بزرگ‌نمایی قدرت جمهوری اسلامی ایران، به خصوص در زمینه توان موشکی و هسته‌ای و بحث تهدید ایران برای امنیت انرژی جهان، زمینه‌ساز حضور

ناتو در منطقه خاورمیانه شوند (Orfy, 2011: cha 5). تحت تأثیر این سیاست‌ها، روند همکاری‌های ناتو با کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس افزایش یافته است. با توجه به این شرایط، در ادامه تلاش می‌شود اقدام‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های نظامی آمریکا به شکل یکجانبه، چندجانبه با کشورهای عربی و همچنین در قالب ناتو علیه توان دریایی و موشکی جمهوری اسلامی ایران با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۴. اقدام‌های آمریکا برای مقابله با توان موشکی ج.ا.ایران

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، کارشناسان غربی، بخش مهمی از دفاع ناهمگون دریایی جمهوری اسلامی را در توان موشک‌های کروز ساحل به دریا، موشک‌های نیروی دریایی و به‌طور کلی توان موشکی جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند. این موشک‌ها با هدف ایجاد بازدارندگی در برابر کشورهای دشمن، به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی در شرایط آمادگی قرار دارند. در مقابل، آمریکایی‌ها برای مقابله با توان موشکی جمهوری اسلامی ایران در سواحل خلیج فارس و همچنین موشک‌های میابرد و دوربرد که ممکن است از هر کجای ایران پرتاب شوند، برنامه‌ریزی‌های کلان و چندلایه‌ای نموده‌اند. از جمله آمریکا برای مقابله با توان موشکی، به‌ویژه موشک‌های کروز نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، در چند سال گذشته همکاری‌های گسترده‌ای با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی داشته است.

گفتنی است که فرایند تقویت توان دفاع هوایی کشورهای خلیج فارس و رژیم صهیونیستی، از زمان اعلام برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. در این راستا دولت بوش در زمینه تهدیدهای منطقه‌ای، به‌ویژه در مورد مسئله گسترش تسلیحات هسته‌ای و همچنین توان موشکی در منطقه خاورمیانه بزرگ‌نمایی می‌کرد، تا

فضا برای اجرای برنامه‌های دولت آمریکا فراهم شود. البته کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی نیز به شدت مشتاق گسترش سامانه دفاع موشکی در سطح منطقه بوده و هستند. در نتیجه این امر، دولت آمریکا «سیاست سه‌جانبه‌ای» را برای تقویت توان دفاع موشکی کشورهای منطقه در برابر تهدیدهای موشکی در اولویت قرار داد (Sanger and Schmitt, 2010). سیاست سه‌جانبه آمریکا در این زمینه شامل:

(۱) تلاش برای فروش سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته به کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی؛

(۲) گسترش توان دفاع هوایی ناوهای آمریکایی مستقر در خلیج فارس؛

(۳) ایجاد سامانه دفاعی مشترک در رژیم صهیونیستی و یکی از کشورهای عربی که از زمان دولت بوش آغاز و در دولت اوباما همچنان ادامه دارد (Carey, 2010).

اولین بار سیاست سه‌جانبه آمریکا در سخنرانی ژنرال «دیوید پترائوس» فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا در «مؤسسه مطالعات جنگ» وابسته به وزارت دفاع آمریکا مطرح شد. در این سخنرانی، ژنرال پترائوس به روشنی جزئیاتی از سامانه ضد موشکی در منطقه خلیج فارس را فاش کرد. وی اعلام کرد که این سامانه شامل دو کشتی گشتی زنی با تجهیزات ویژه در خلیج فارس و استقرار دو سامانه دفاعی در هر یک از کشورهای قطر، امارات، بحرین و کویت خواهد بود. بلافاصله پس از طرح این موضوع، دولت آمریکا دو «کشتی جنگی ایجیس» با توان دفاع هوایی در برابر موشک‌های بالستیک را به منطقه خلیج فارس اعزام نمود (Missile Defense in the..., 31 January 2010).

همچنین به دنبال موافقت کویت، قطر، بحرین و امارات با طرح دولت بوش، دولت آمریکا تصمیم گرفت «سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت»^۱ خود را در این کشورها مستقر نماید. البته برخی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، ایجاد سامانه دفاع موشکی پاتریوت و همچنین استقرار کشتی‌های جنگی دارای سامانه دفاع هوایی

1. Patriot Missiles Defence System

پیشرفته ایجیس را برای محافظت از خود، کافی ندانسته‌اند. برای مثال، امارات متحده عربی بارها خواهان حمایت‌های بیشتر آمریکا از امنیت کشورهای عربی در مقابله با تهدیدهای موشکی و هسته‌ای برخی از کشورهای منطقه شده است. به دنبال این مسئله، دولت آمریکا در یک توافق مهم با امارات موافقت نمود سامانه‌های دفاعی پیشرفته‌تری به این کشور فروخته شود. بر اساس این توافق، سامانه بسیار پیشرفته دفاع هوایی «تاد» به ارزش هفت میلیارد دلار تحویل این کشور داده می‌شود. این سامانه که عنوان کامل آن «پایانه دفاع منطقه‌ای با ارتفاع زیاد»^۱ می‌باشد، دارای توانایی بالایی در مقابله با حمله‌های موشکی است، به همین دلیل خرید آن برای امارات از اهمیت فراوانی برخوردار بود (Moran, 2010).

ایالات متحده آمریکا در چند سال گذشته، به شدت به دنبال تقویت توان دفاعی رژیم صهیونیستی بوده است. به همین دلیل، دولت آمریکا با ارسال سامانه‌های دفاع هوایی، توان این رژیم را در مقابله با تهدیدهای موشکی بالا برده است. مهم‌ترین اقدام آمریکا در این زمینه، تلاش برای ایجاد سامانه‌ای دفاعی در رژیم صهیونیستی و یکی از کشورهای عربی می‌باشد. در سال ۲۰۱۰ اعلام شد، دولت آمریکا با آگاهی از ناتوانی سامانه‌های دفاع موشکی خود در منطقه خاورمیانه، به دنبال ایجاد سامانه دفاعی جدید و کارآمد است. بر اساس جزئیات منتشر شده، قرار است بخش‌های مختلف این سامانه با هدف افزایش کارایی در رژیم صهیونیستی و یکی از کشورهای عربی نصب شود. تفاوت این سامانه با دیگر سامانه‌های آمریکا در منطقه، در گستردگی پوشش و میزان قدرت دفاعی آن است. سامانه‌های ضد موشکی پاتریوت امارات، کویت، قطر و بحرین، تنها توانایی دفاع از این کشورها در برابر حملات موشکی محدود را دارند. در مقابل، سامانه جدیدی که قرار است در رژیم صهیونیستی و یکی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نصب شود، کل منطقه را در برابر تهدیدهای موشکی پوشش خواهد داد.

1. Terminal High Altitude Area Defense (THAAD)

البته برخی از کارشناسان با توجه به نزدیکی کشورهای حاشیه خلیج فارس به تهدیدهای ادعایی، کارایی این سامانه‌ها را در دفاع از این کشورها چندان قابل اعتماد ارزیابی نکرده‌اند. به باور آنها، هدف اصلی ایجاد این سامانه مشترک، دفاع از رژیم صهیونیستی است. قرار است پس از نهایی شدن سامانه‌های دفاعی در رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، همگی آنها با همدیگر و همچنین با دو کشتی آمریکایی مستقر در خلیج فارس هماهنگ شوند تا کارایی آنها در برابر تهدیدها بالاتر رود (Carey, 2010).

همچنین باید به تلاش جدید دولت اوپاما برای ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه اشاره نمود. بر اساس این طرح، قرار است به جای ایجاد سپر دفاع موشکی آمریکا در چک و لهستان، سپر موشکی ناتو در ترکیه ایجاد گردد. بر این اساس، توافق‌ها در این زمینه در اجلاس لیسبون پرتغال نهایی شده است و تا چندی دیگر این سامانه‌ها، نصب و در نهایت عملیاتی خواهند شد. البته ایجاد چنین سامانه‌ای برای مقابله با تهدیدهای موشک‌های میان‌برد و بلندبرد است و ارتباط چندان با توان موشک‌های کروز ساحل به دریا و یا نیروی دریایی ایران ندارد. با وجود این، چنین اقدام‌هایی نشانگر هدف‌های بلندمدت آمریکا برای مقابله با توان موشکی جمهوری اسلامی ایران است (Lesser, 2010).

۲-۴. گسترش همکاری با کشورهای منطقه

از دیگر اقدام‌های آمریکا برای مقابله با قدرت و توان نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای گسترش همکاری‌های نظامی و امنیتی، به‌ویژه در بخش دریایی با کشورهای منطقه خاورمیانه بوده است. البته همکاری نظامی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با آمریکا سابقه فراوانی دارد؛ با وجود این، سال ۲۰۰۱ را باید به عنوان نقطه عطفی در این زمینه ارزیابی نمود. علت این امر را باید در بروز حوادث ۱۱ سپتامبر و ایجاد شرایط مناسب‌تر برای حضور همه‌جانبه و گسترده نظامی آمریکا،

به‌خصوص در زمینه دریایی در خلیج فارس با طرح ایده «جنگ جهانی علیه ترور»^۱ ارزیابی نمود. در این بین می‌توان به همکاری آمریکا با کشورهای عربی برای برگزاری رزمایش‌های مشترک اشاره نمود. این رزمایش‌ها به ظاهر با هدف انجام اقدام‌های مدنی و کمک‌های انساندوستانه انجام می‌شود؛ ولی کارشناسان، آنها را با هدف آمادگی برای مقابله با قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌کنند. برای نمونه هدف‌های یکی از این رزمایش‌های مشترک، ایجاد آمادگی برای مقابله با شرایطی بود که تأسیسات و امکانات نظامی، صنعتی و نفتی یکی از کشورهای منطقه مورد آسیب‌های جدی قرار گرفته است. در این ارتباط فرمانده نیروی نظامی آمریکایی مشارکت‌کننده در عملیات بیان داشت:

«ما نمی‌دانیم که در صحنه واقعی چه اتفاقی خواهد افتاد. ممکن است چنین تخریب گسترده‌ای در یکی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در اثر حوادث طبیعی یا حملات هوایی و دریایی دشمن انجام شود. با وجود این، ما در حال تمرین هستیم تا آمادگی خود را برای مقابله با چنین شرایطی بالا ببریم. وظیفه ما کمک به کشوری است که چنین درخواستی از ما نماید. ما می‌خواهیم با این اقدام‌ها توان مشترکمان را برای حفظ ثبات و امنیت منطقه بالا ببریم» (CTF, 2 Nov 2007).

همان‌گونه که گفته شد، این همکاری‌ها فقط محدود به همکاری نیروهای دریایی دو طرف نمی‌شود، بلکه شامل تلاش همه‌جانبه برای افزایش توان دفاع هوایی و تهاجمی کشورهای عربی نیز می‌گردد. در این راستا هرچند از نظر آمریکایی‌ها کشورهای عربی توان چندانی برای مقابله با توان دریایی همسایه شمالی خود ندارند؛ با وجود این، گسترش توانایی‌های دفاعی و تهاجمی آنها در همکاری با آمریکا می‌تواند از میزان آسیب‌پذیری‌ها بکاهد. در نتیجه در رهنامه نظامی آمریکا برای مقابله با قدرت‌های منطقه‌ای خاورمیانه، همکاری نظامی و امنیتی با کشورهای عربی از اهمیت بالایی

1. Global War on Terror

برخوردار است. طرح موضوعاتی مانند چتر دفاعی یا اتمی آمریکا برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، که از سوی برخی تحلیلگران آمریکایی مطرح شده است، در همین راستا قرار دارد (US Navy Starts Exercises in Gulf Waters, November 2, 2007).

۳-۴. تلاش برای ورود ناتو به منطقه

آمریکایی‌ها در چند سال گذشته تلاش نموده‌اند با بزرگ‌نمایی قدرت جمهوری اسلامی، به ویژه توان نیروی دریایی ایران در خلیج فارس، زمینه را برای ورود ناتو به منطقه مهیا سازند. البته در ابتدا برخی کارشناسان در درون جامعه نظامی، امنیتی و حتی اقتصادی آمریکا روند گسترش حضور ناتو در کشورهای خاورمیانه را در راستای منافع نظامی، اقتصادی و امنیتی آمریکا ارزیابی نمی‌کردند. به باور آنها در بلندمدت، گسترش حضور ناتو در خاورمیانه می‌تواند باعث کاهش انحصار نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا در منطقه و تقویت موضع کشورهای اروپایی گردد. در مقابل، برخی از کارشناسان، گسترش حضور ناتو در خاورمیانه را به معنای کاهش هزینه‌های میلیاردی حضور نظامی آمریکا در منطقه، تقویت موضع سیاسی و نظامی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی و تقویت امنیت انرژی ارزیابی می‌کنند (ترابی، پائیز ۱۳۸۹).

به هر حال با وجود این مناظره‌ها، در چند سال گذشته، دولت آمریکا از روند گسترش نقش و نفوذ ناتو در خاورمیانه حمایت نموده است. گفتنی است که در این زمینه، برگزاری اجلاس استانبول در سال ۲۰۰۴ در ترکیه که منتهی به «ابتکار همکاری استانبول»^۱ شد، نقش مهمی در ایجاد زمینه برای گسترش نقش و نفوذ ناتو در میان کشورهای منطقه خلیج فارس ایفا نموده است. به دنبال این اجلاس تمامی کشورهای حاشیه خلیج فارس با ناتو موافقتنامه‌های همکاری نظامی و امنیتی منعقد نمودند. از جمله اینکه برخی از این کشورها در حال مذاکره با ناتو برای ایجاد امنیت فرایند انتقال

1. Istanbul Cooperation Initiative (ICI)

انرژی از تنگه هرمز هستند. مذاکرات انجام شده بین ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس بر محورهای زیر استوار بوده است:

(۱) کمک ناتو به اصلاحات دفاعی، بودجه نظامی، برنامه ریزی دفاعی و روابط بین

نظامیان و غیرنظامیان؛

(۲) افزایش هماهنگی و همکاری بین بخش‌های مختلف نظامی؛

(۳) تمرین‌های نظامی و آموزش نظامی؛ برای مثال بین نیروهای نظامی کشورهای

شورای همکاری خلیج فارس و «مشارکت ناتو برای صلح»؛

(۴) همکاری‌های ضدتروریستی شامل همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی، به‌ویژه

برای جلوگیری از اقدامات تروریستی علیه آزادی دریانوردی؛

(۵) تلاش مشترک برای جلوگیری از گسترش تسلیحات غیرمتمعارف به خصوص از

طریق نظارت بر نقل و انتقالات بین‌المللی؛

(۶) همکاری‌های مرزی برای مقابله با تروریسم و تجارت غیرقانونی؛

(۷) آمادگی برای حوادث و بلایای طبیعی و سایر شرایط اضطراری (Istanbul

Cooperation Initiative, 2008).

سایر موارد همکاری ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل

موارد زیر می‌گردد:

(۱) وارد نمودن نیروهای نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به

ساختارهای تدافعی ناتو؛ برای مثال، می‌توان به مشارکت نیروهای نظامی این

کشورها در فعالیت‌های ناتو در «فوق‌از جنوبی»^۳، گفت‌وگوهای مدیترانه و

مشارکت برای صلح ناتو اشاره نمود. همچنین می‌توان به مشارکت نیروی نظامی

امارات متحده عربی در اقدام‌های ناتو در افغانستان اشاره نمود. البته در گذشته،

1. Interoperability
2. NATO's Partnership for Peace (PfP)
3. South Caucasus

نیروهای نظامی امارات در فعالیتهای ناتو در بالکان نیز مشارکت داشته‌اند. به‌تازگی نیز نیروی نظامی برخی از این کشورهای منطقه از جمله قطر و امارات در جریان اقدامهای ناتو علیه لیبی مشارکت نموده‌اند.

(۲) استفاده گسترده‌تر ناتو از نیروهای نظامی کشورهای عضو شورا در برنامه‌هایی مانند عملیات‌های نظارت، به‌ویژه نظارت بر رفت و آمد کشتی‌ها، آموزش برنامه جنگی در منطقه خلیج فارس و فراتر از آن؛

(۳) پذیرش کشورهای عضو شورا در «نظارت موشکی جهانی»^۱ و «برنامه سپر موشکی»^۲؛

(۴) قرار دادن کشورهای عضو شورا تحت حمایت چتر دفاعی و هسته‌ای آمریکا و همچنین تلاش برای تسری ماده ۵ اساسنامه ناتو به این کشورها، که این امر به معنای عضویت در ناتو خواهد بود. ماده ۵ ناتو حمله به هر یک کشورهای عضو را به معنای حمله به تمامی کشورهای ناتو می‌داند و از کشورهای عضو می‌خواهد نهایت کمک خود را در دفاع از کشور مورد حمله انجام دهند. برای مثال، مشارکت کشورهای عضو ناتو در عملیات نظامی آمریکا در افغانستان با توسل به ماده ۵ اساسنامه ناتو انجام شده است؛

(۵) تلاش برای حضور نیروی دریایی ناتو در کنار نیروی دریایی کشورهای عضو شورا برای مراقبت از تنگه هرمز با توجه به اهمیت آن در تأمین انرژی جهان (Rozoff(c), February 7, 2009).

بر این اساس به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها قصد دارند با ورود ناتو به منطقه و گسترش همکاری‌های نظامی و امنیتی با کشورهای عربی، بازدارندگی گسترده‌ای در برابر تهدیدهای ادعایی ایجاد کنند. با توجه به این موضوع باید گفت یکی از مهم‌ترین

1. Global Missile Surveillance
2. Missile Shield Program

اقدام‌های آمریکا برای مقابله با توان نیروی دریایی، به‌ویژه دفاع ناهمگون جمهوری اسلامی، گسترش همکاری‌های نظامی و امنیتی بین ناتو و کشورهای عربی تحت فرماندهی و نظارت واشنگتن است.

در کنار این اقدام‌ها و برنامه کلان، دولت آمریکا دستورکار خاصی برای نیروی دریایی خود در مقابله با نیروی دریایی ایران و به‌ویژه رهنامه دفاع ناهمگون آن دارد. این دستورکار که در راستای آمادگی برای مقابله با دفاع ناهمگون جمهوری اسلامی است، مبتنی بر افزایش توان مین‌زدایی، مقابله با زیردریایی‌ها و قایق‌های تندرو است که در ادامه با جزئیات بیشتری در این زمینه بحث خواهد شد.

۴-۴. افزایش توان مین‌زدایی نیروی دریایی آمریکا

همان‌گونه که اشاره شد، جنگ نفتکش‌ها و درگیری مستقیم ایران و آمریکا در مقطعی از جنگ ایران و عراق، تجارب فراوانی برای دو کشور داشت. یکی از این تجارب برای جمهوری اسلامی ایران، شناخت نقطه ضعف نیروی دریایی آمریکا در حل مشکل مین‌گذاری بود. به همین دلیل افزایش تولید مین‌های دریایی بر اساس اصل خودکفایی و استفاده از آنها به شکل گسترده بر اساس اصول دفاع ناهمگون، در دستورکار نیروی دریایی ایران قرار گرفت. در مقابل، آمریکایی‌ها با درک نقطه ضعف خود در این زمینه، به دنبال حل این مشکل بوده‌اند، تا در صورت درگیری احتمالی از این حیث آسیب‌پذیری کمتری ببینند. برای نمونه، طراحی و استفاده از «کشتی‌ها ضدمین آونگر»^۱ که توانایی بالایی در مین‌یابی و انهدام مین‌های دریایی دارند، از جمله اقدام‌های آمریکا در این زمینه محسوب می‌شود.

همچنین آمریکایی‌ها از زمان پایان جنگ ایران و عراق به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس توصیه نموده‌اند که انواع تجهیزات و کشتی‌های ضدمین پیشرفته را از

1. Avenger-Class MCM Ships

کشورهای غربی خریداری نمایند. همچنین باید به رزمایش‌های مشترک آمریکا با کشورهای عربی اشاره نموده که اغلب، بخشی از آنها، تمرین برای مقابله با مین‌های دریایی است (Office of Naval Intelligence, 2009: 29).

۵-۴. مقابله با زیردریایی‌ها و قایق‌های تندرو

به باور کارشناسان غربی، از دیگر ابعاد دفاع ناهمگون جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدهای نیروهای دریایی دشمن، استفاده از «زیردریایی‌های روسی مدل کیلو»^۱ است که مجهز به «موشک‌های ضدکشتی‌های جنگی کروز»^۲ هستند. این زیردریایی‌ها همچنین توان بالای در مین‌گذاری مسیرهای پُر رفت و آمد دریایی دارند، به همین دلیل در درون جامعه نظامی و امنیتی آمریکا نگرانی‌های گسترده‌ای در مورد آنها وجود دارد (Talmadge, 2008: 82-117). بیشتر کارشناسان نظامی بر این باور هستند که بهترین گزینه آمریکا برای مقابله با توان زیردریایی‌ها ایران، توسل به «اقدام‌های پیشدستانه»^۳ است. این کارشناسان معتقدند در صورت بروز درگیری بین دو کشور، یکی از اولین اقدام‌های آمریکا باید حمله به زیردریایی‌های ایران از طریق زیردریایی‌ها و ناوهای جنگی مجهز به موشک‌های کروز و یا حملات هوایی هواپیماهایی باشد که توان بالایی در شناسایی زیردریایی‌ها و انهدام آنها دارند. با وجود طرح این راه‌حل‌ها، همچنان نگرانی‌هایی در این مورد در جامعه نظامی و امنیتی آمریکا وجود دارد (Talmadge, 2008: 82-117).

این نگرانی‌ها بیشتر به دلیل برنامه‌های جمهوری اسلامی در زمینه دفاع غیرعامل است. همان‌گونه که گفته شد، یکی از ابعاد و اصول رهنامه دریایی جمهوری اسلامی تأکید بر دفاع غیرعامل برای افزایش امنیت تجهیزات و تأسیسات نظامی است. در نتیجه برای نیروهای آمریکایی، دسترسی به زیردریایی‌ها و سایر تجهیزات نظامی ایران، به‌ویژه

1. Russian-made Kilo-Class Attack Submarines
2. Cruise Missiles
3. Preemptive Action

در روزهای ابتدایی درگیری، آسان نخواهد بود. بنابراین دفاع پیشدستانه که به معنای حمله سریع و غافلگیرانه است، در مقابله با زیردریایی‌ها و سایر امکانات و تجهیزات نیروی دریایی ایران آن‌گونه که انتظار می‌رود، کارساز نخواهد بود.

نیروی دریایی آمریکا همچنین برنامه‌هایی برای مقابله با قایق‌های تندرو نیروی دریایی ایران دارد. از جمله اینکه آمریکایی‌ها تلاش داشته‌اند در خلیج فارس از کشتی‌های جنگی و ناوهای استفاده کنند که به شکل همزمان توانایی ردیابی همزمان چندین هدف کوچک و بزرگ را دارند. با وجود این، استفاده از این قایق‌ها بر اساس اصولی مانند سرعت، گستردگی و غافلگیری خواهد بود که این عوامل، ردیابی و انهدام همه قایق‌ها را مشکل خواهد کرد (Haghshenass, 2006).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران و آمریکا دارای اختلافات گسترده‌ای در سطوح مختلف هستند که تاکنون در چند بار، دو کشور را در شرف درگیری نظامی قرار داده است؛ حتی در دوران جنگ ایران و عراق، آمریکایی‌ها با توسل به نیروی دریایی، تجاوزهایی را به آب‌های سرزمینی، نیروی دریایی و سکوهای نفتی ایران داشته‌اند. در این راستا، بسیاری از کارشناسان بر این باور هستند که در صورت درگیری مجدد بین دو کشور، خلیج فارس و تنگه هرمز تبدیل به مهم‌ترین محل و محور درگیری‌ها خواهد شد. بر این اساس، جمهوری اسلامی با هدف دفاع و در تلاش برای ایجاد بازدارندگی در مقابل حملات دشمن، به دنبال تأکید بر اصول دفاع ناهمگون بوده است. به همین دلیل در ایران تأکید خاصی بر ایجاد یک نیروی دریایی مجهز به امکانات و تجهیزات نوین شده است، تا توانایی دفاع از کشور را در برابر تهاجم هر کشوری در صحنه دریایی داشته باشد. با وجود این موضوع، سبک دفاعی جمهوری اسلامی بر اساس اصول دفاع ناهمگون شامل حملات گسترده، پراکنده و سریع از طریق قایق‌های تندرو،

زیردریایی‌ها نوین و ایستگاه‌های (سایت‌های) پرتاب موشک کروز از سواحل و جزایر متعدد ایرانی در خلیج فارس و تنگه هرمز قرار گرفته است که دشمن را با گنجی و ابهام خاصی مواجه می‌کند. ضمن اینکه در خلال دفاع دریایی از کشور، هواپیماها و بالگردهای جنگی با توسل به دفاع هماهنگ و ترکیبی، نقش حمایتی از نیروی دریایی در مقابل تهاجم دشمن را ایفا خواهند کرد.

در مقابل، آمریکایی‌ها در چند سال گذشته با بزرگ‌نمایی قدرت و تهدید جمهوری اسلامی و به بهانه حوادث ۱۱ سپتامبر، به دنبال گسترش حضور نیروی دریایی خود در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، افزایش توان دفاع هوایی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، ورود ناتو به خلیج فارس و درگیر نمودن این پیمان با مسائل امنیتی منطقه و در نتیجه، فشار بیشتر بر ایران بوده‌اند. با وجود این اقدام‌ها، کارشناسان مسائل نظامی و امنیتی معتقدند در صورت بروز هرگونه درگیری، با توجه به شرایط جغرافیایی و اهمیت راهبردی منطقه، بحرانی بزرگ در عرصه سیاسی، اقتصادی و نظامی در سطح منطقه شکل خواهد گرفت. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، تنگه هرمز محل گذر بیش از ۳۰ درصد از نفت مورد نیاز جهان و همچنین خاورمیانه دارای ۵۶/۶ درصد نفت جهان است که هرگونه درگیری در منطقه می‌تواند امنیت آن را با تهدیدهای جدی مواجه سازد.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. آمادگی نیروی دریایی سپاه برای مأموریت مستقیم و فراگیر در خلیج فارس (۱۳۸۷/۴/۱۹)، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8704190054>
۲. ترابی، قاسم (پائیز ۱۳۸۹)، حضور ناتو در خاورمیانه و امنیت جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و چهارم.
۳. ترابی، قاسم (زمستان ۱۳۸۹)، گسترش سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا در خاورمیانه و امنیت جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، شماره سی و یک.
۴. موحد، محمدعلی (۱۳۸۳)، گزارشی از دعوی ایران در دیوان بین‌الملل دادگستری علیه ایالات متحده آمریکا، در رابطه با انهدام سکوهای نفتی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۹

۲. منابع انگلیسی

1. BP. Statistical Review of world energy, (2010), Available at: <http://www.bp.com>
2. Buley, Benjamin (2007), *The New American Way of War Military Culture and the Political Utility of Force*, London, Routledge
3. Carey, Glen (2010), Raytheon Plans to Expand Patriot Missile System in Persian Gulf, at: <http://www.bloomberg.com/news/2010-10-31/raytheon-plans-to-expand-patriot-missile-system-in-persian-gulf.htm>
4. Connell, Michael (2006), Iran's Military Doctrine, Available at: http://iranprimer.usip.org/sites/iranprimer.usip.org/files/Iran_s%20Military%20Doctrine.pdf
5. Cordesman, Anthony H. (2010), Vivek Kocharalakota and Adam Seitz, Iranian Strategic Competition with the US: The Military Dimension, Available at: <http://csis.org/publication/iranian-strategic-competition>
6. CTF (2 November 2007), *Coalition Forces Conduct Crisis Response Exercise*, Combined Task Force 59 Public Affairs.
7. Gordon, Philip (2005), NATO's Growing Role in the Greater Middle East, The Emirates Center for Strategic Studies and Research, Available at: <http://www.brookings.edu/views/papers/gordon/emirates20060530.pdf>
8. Haghshenass, Fariborz (2006), Iran's Doctrine of Asymmetric Naval Warfare, Available at: <http://www.mettransparent.com/IMG/pdf/PolicyFocus87.pdf>
9. Istanbul Cooperation Initiative (ICI)(2008), Reaching out to the Broader Middle East, 15 Oct 2008, Available at: www.nato.int/issues/ici/index.ht
10. Karl, Daneh (2009), Ashkbus Rear Admiral Operation Doctrine of the Navy of Islamic Republic of Iran, *Staff Issue*, No. 235

11. Lesser, Ian (23 November 2010), Turkey, the NATO Summit, and After, Available at: http://www.gmfus.org/galleries/ct_publication_attachments/Lesser_NATO_Nov10.pdf?j_sessionid=aux1Dml-YRNcrd6jJZ
12. Missile Defense in the Persian Gulf (31 January 2010), The New York Times, Available at: <http://33-minutes.com/2010/02/01/missile-defense-in-the-persian-gulf/>
13. Moran, Andrew (2010), U.S. Increasing Missile Defense System in the Persian Gulf, Available at: <http://www.digitaljournal.com/article/286761>
14. Office of Naval Intelligence (2009), Iranian Naval Forces from Guerrilla Warfare to a Modern Naval Warfare, Available at: <http://www.fas.org/irp/agency/oni/iran-navy.pdf>
15. Orfy, Mohammed Moustafa (2011), *NATO and the Middle East: The Geopolitical Context Post-9/11*, New York, Routledge
16. Rozoff, Rick (a)(February 11, 2010), NATO's Role In The Military Encirclement Of Iran, Available at: www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=17555
17. Rozoff, Rick (b)(August 13, 2010), Iraq: NATO Assists In Building New Middle East Proxy Army, Available at: <http://rickrozoff.wordpress.com/2010/08/14/iraq-nato-assists-in-building-new-middle-east-proxy-army/>
18. Rozoff, Rick (c)(February 7, 2009), NATO In The Persian Gulf From Third World War To the Istanbul Cooperation Initiative, Available at: www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=12190
19. Sanger, Danid E. and Eric Schmitt (2010), U.S. Speeding up Missile Defenses in Persian Gulf, Available at: <http://www.nytimes.com/2010/01/31/world/middleeast/31missile>
20. Talmadge, Caitlin (2008), "Closing Time: Assessing the Iranian Threat to the Straits of Hormuz," *International Security*, Vol. 33, No. 1
21. US Navy Starts Exercises in Gulf Waters (2 November 2007)," *Reuters News Service*.

Archive.org

Archive of SID